

دو نگاه

به پیام داریوش همایون

به کنگره سازمان اکثریت

کنگره سازمان فدائیان اکثریت برگزار شد. شاید بحث انگیزترین بخش این کنگره پیام داریوش همایون صدر حزب مشروطه خواهان خطاب به این کنگره بود. هم در طول این کنگره و هم در روزهای پس از آن، بیش از آنکه از تصمیمات سیاسی و تشکیلاتی سازمان اکثریت صحبت باشد، از همین مسئله صحبت است. دو نگاه در این باره وجود دارد. نگاه اول دنبال سوابق دوران ملی شدن نفت همایون، دوران حکومت شاه و قد و بالا، کوتاهی و بلندی پا و نقش او در روزنامه آیندگان و یا نامه ای است که با امضای "رشیدی مطلق" در باره شجره هندی آیت الله خمینی در مطبوعات سال ۱۳۵۶ منتشر شد و بنام او ثبت است. نگاه دوم که ما روی آن انگشت می گذاریم آن فضای سیاسی و سمت گیری رویدادهای ایران و منطقه است که داریوش همایون را به سازمان اکثریت و سازمان مذکور را به مشروطه خواهان نزدیک کرده است.

نگاه اول جز جدل و پلمیک شخصی نیست و نباید به دام آن افتاد؛ و نگاه دوم سیاسی و تحلیلی است که باید به آن متکی بود.

واقعیت اینست که در بخشی از سازمان اکثریت- اگر نگوئیم همه آن- امید به تحول در داخل جمهوری اسلامی بر باد رفته است. این نگاه، می گوید که جمهوری اسلامی مسیر کنونی را تا پایان خواهد رفت و سقوط آن به دره مرگ قطعی است. آنها توان بازگشت از مسیری که رفته اند را ندارند. آنها با آنکه نمی گویند، اما روی فشار سیاسی، اقتصادی و نظامی امریکا نیز محاسبه کرده اند و معتقدند باید خود را از هم اکنون آماده دوران پس از جمهوری اسلامی کرد. آنها بر این باورند که کار انقلاب ۵۷ تمام است و دفتر آن را باید بست و به همین دلیل ظرفیتی برای قائل نیستند. حال که باد در پرچم نیروی خارجی برای تحمیل دگرگونی و حتی سقوط جمهوری اسلامی است، چرا نباید با آن نیروی نزدیک شد و همکاری کرد و حتی در یک جبهه قرار گرفت که پشتش به آن قدرت خارجی گرم است؟

ماجرا از اینجا آغاز شده و نه از کوتاهی و بلندی پای آقای داریوش همایون و یا سوابق سومکائی اش (حزبی به تقلید نازی ها در دهه ۱۳۳۰ در ایران) و یا آن نامه بحث انگیز در باره آیت الله خمینی. این ماجرا و این گردش بیشتر به راست در سازمان اکثریت، پایه هائی اینگونه دارد و برای چنین گردشی ملایم ترین چهره طرفدار نظام سلطنتی و مدعی مشروطه خواهی انتخاب شده و قرعه بنام او خورده است. یعنی داریوش همایون. این تمایلات و گرایش ها خاص سازمان اکثریت نیست، اما چون مسئله کنگره این سازمان و پیام داریوش همایون به آن اینجا و آنجا مطرح است و از ما نیز پیرامون آن سؤال کرده اند، بدان پرداختیم.

با امری سیاسی، باید سیاسی برخورد کرد، گرچه با آن مخالف و یا موافق بود. در عین حال که باید پایبند احترام به مسائل درونی هر حزب و سازمان سیاسی از راست تا چپ بود. برای بیان این دیدگاه، نیازی به صغرا و کبرا و بر سر قلم رفتن های چندین و چند صفحه ای نیست، که نه لازم است و نه مردم حوصله خواندن آن را دارند. (این بحث را از زوایای دیگر، در شماره آینده راه توده ادامه خواهیم داد)